

مراکز مالی دنیا: یک، دو، سه، ... یا بی نهایت؟

مترجم: سهیل ایلداری



آنجا زندگی می کنند. یک شهر، تلفیق منحصر به فردی از شرایط اقامتی، صنعتی، بازرگانی و فعالیت های حکومتی است. شهر به واسطه تلفیقی از عوامل چون تراکم جمعیت، گستردگی، اهمیت اجتماعی یا شرایط قانونی از سایر اقامتگاه های انسانی متمایز می شود. در این مطالعه واحد تحلیل برای یک مرکز مالی «شهر» است. البته تعریف شهر هم چندان آسان نیست، چون شهر دربرگیرنده فرهنگ، مردم و روش زندگی آنها است که به آسانی نمی توان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

یک شرکت کننده در بررسی «انجمن شهر لندن» پیرامون مبنای تعریف یک مرکز مالی، عقیده دارد ممکن است یک نفر بر واژه «جهانی»

مراکز مالی در سرتاسر تاریخ دیده می شوند. از شهرهای تقریباً افسانه ای و مراکز ترانزیت کالا در عهد باستان مانند بابل، سمرقند، قسطنطنیه و تیمبوکتو گرفته تا لندن، نیویورک، پاریس، توکیو یا شانگهای در عصر حاضر. البته بسیار دشوار است دریابیم واحد مناسب برای تحلیل مراکز مالی چیست؟ آیا ما باید این مراکز را در سطوح فرهنگی (انگلساکسون، چینی، قاره اروپایی و آسیایی) تقسیم بندی کنیم یا بر مبنای ملیت (ایالات متحده، انگلستان، آلمان و ژاپن)؟ یکی از مشاهده های جالب در مورد مراکز مالی آن است که این شهرها به عنوان هدایت کنندگان اقتصاد کشورشان شناخته می شوند؛ شهرهایی که مردم برای تجارت به آنجا می روند یا به سبب تجارت در

تمرکز کند و شهرهایی همچون بانکوک، پکن، بروکسل، شیکاگو، هنگ کنگ، ژوهانسبورگ، لندن، مسکو، مومبای، نیویورک، لس آنجلس، پاریس، سائوپائولو، سئول، شانگهای، ستگاپور، سیدنی، توکیو و تورنتو را به طور عمده به عنوان شهرهای جهانی معرفی کند. دانشگاه «لامبرو» انگلستان نیز در قالب گزارشی به نام «جهانی شدن، گروه مطالعاتی شهرهای دنیا»، مراکز مالی عمده دنیا را بر حسب میزان اهمیتشان به شکل زیر طبقه‌بندی کرده است. این بررسی به طور وضوح نشان می‌دهد شهرهای لندن و نیویورک در حال فاصله گرفتن از سایر مراکز مالی دنیا هستند.

طبقه بندی مراکز مالی دنیا

گروه آلفا:

امتیاز	شهرها
۱۲	لندن، نیویورک، پاریس و توکیو.
۱۰	شیکاگو، فرانکفورت، هنگ کنگ، لس آنجلس، میلان و ستگاپور.

گروه بتا:

امتیاز	شهرها
۹	مان فرانسیسکو، سیدنی، تورنتو و زوریخ.
۸	بروکسل، مادرید، مکزیکو سیتی و سائوپائولو.

گروه گاما:

امتیاز	شهرها
۶	آمستردام، بوستون، کاراکاس، دالاس، دوماوندورف، ژنو، هوستون، جاکارتا، ژوهانسبورگ، ملبورن، اوزاکا، پراگ، سانتیاگو، تایپه و واشنگتن دی سی.
۵	بانکوک، پکن، مونترال، رم، استکهلم و ورشو.
۴	آتلانتا، بارسلون، برلین، یونوس آیرس، بوداپست، کپنهاگ، هامبورگ، استانبول، کوالالمپور، مانیل، میامی، مینیاپلیس، مونیخ و شانگهای.

مطالعه «انجمن شهر لندن» در سال ۲۰۰۳ به مقایسه و بررسی ۴ مرکز مالی عمده دنیا - لندن، نیویورک، پاریس و فرانکفورت - می‌پردازد، اما گزارش سال ۲۰۰۵ حدود ۵۴ شهر از ۱۸ کشور دنیا را که توسط ۳۶۵ پرسش شونده معرفی شده بود، در بر می‌گیرد. علاوه بر این، ۳۲ مصاحبه نیز به صورت رو در رو با مردم ۴ شهر انجام گرفت تا مشخص شود مردم درباره مسائل مختلف چه احساسی دارند.

مرکز مالی یعنی چه؟

البته اگر بتوان ۵۴ شهر را به عنوان مرکز مالی مشخص کرد، احتمالاً می‌توان در آن میان یک شهر را به عنوان مرکز مالی بین‌المللی برگزید. یک مرکز مالی جهانی جایی است که در آن شاهد تمرکز شدید طیف وسیعی از امور مالی و بازرگانی بین‌المللی و معاملات هستیم. شهر «همیلتون» در برمودا را می‌توان یک مرکز مالی بین‌المللی مبتنی بر بیمه اتکایی^(۱) دانست، اما این شهر یک مرکز مالی بین‌المللی نیست. سیدنی ممکن است مرکز بین‌المللی استرالیا به شمار رود، ولی هیچ‌گاه یک مرکز مالی بین‌المللی محسوب نمی‌شود. یک موضوع عمده در بررسی «انجمن شهر لندن» این است که لندن و نیویورک به تدریج از سایر شهرهای دنیا فاصله می‌گیرند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص گفته است: «اهمیت لندن و نیویورک هنوز رو به افزایش است.»

در اینجا لازم است به نکاتی در رابطه با متدولوژی گزارش ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ اشاره شود: مثلاً مقایسه لندن و نیویورک با پاریس و فرانکفورت. تحقیقات آینده باید روابط میان دو مرکز مالی جهانی و سایر مراکز مالی پیش‌تاز دنیا از قبیل دوبلین، برمودا، زوریخ، توکیو و سایر مراکز مالی منطقه‌ای را آشکار سازد. بعد از تأیید برتری لندن و نیویورک به عنوان دو مرکز مالی بزرگ دنیا، شرکت‌کنندگان در این تحقیق باید به ویژگی‌های ۵۲ مرکز مالی در سایر نقاط دنیا هم اشاره می‌کردند؛ از جمله به فعالیت‌های بین‌المللی حداقل در دو حوزه قضایی متفاوت. اغلب فعالیت‌های بین‌المللی چندین منطقه و چندین حوزه قضایی را در بر

مطالعه «انجمن شهر لندن» در سال ۲۰۰۵ به سنجش شباهت‌ها و بررسی ویژگی شهرهای لندن، نیویورک، فرانکفورت و پاریس در سال ۲۰۰۳ پرداخته است. گزارش اخیر شش عامل رقابتی عمده - نیروی کار ماهر، شرایط قانونگذاری مناسب، رژیم مالیاتی، پاسخگویی دولت، مهارت‌های قانونگذاری و شرایط زندگی - را مورد بررسی قرار داده بود، در حالی که بررسی سال ۲۰۰۵ به ۱۴ عامل پرداخته است.

می‌گیرد. به عنوان مثال، یک معامله ارزی میان یک بانک رهنی در سیدنی و یک بانک خرده فروشی در سنگاپور دارای جنبه بین‌المللی است.

زیر فشار رقابتی

امتیاز	رتبه	عامل رقابت
۵/۳۷	۱	دسترسی به نیروی کار ماهر
۵/۱۶	۲	فضای قانون گذاری
۵/۰۸	۳	دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی
۵/۰۱	۴	دسترسی به زیرساخت‌های بازرگانی
۴/۹۰	۵	دسترسی به مشتریان
۴/۶۷	۶	یک فضای تجاری منصفانه
۴/۶۱	۷	مسئولیت پذیری دولت
۴/۷	۸	رژیم مالیاتی شرکت‌ها
۴/۳۸	۹	هزینه‌های عملیاتی
۴/۳۳	۱۰	دسترسی به ارائه‌کنندگان حرفه‌ای خدمات
۴/۳۰	۱۱	کیفیت زندگی
۴/۲۸	۱۲	عوامل فرهنگی و زبان
۴/۰۴	۱۳	کیفیت و دسترسی به خدمات بازرگانی
۳/۸۹	۱۴	رژیم مالیاتی اشخاص

از جدول بالا چنین بر می‌آید که در سال ۲۰۰۳ دسترسی به نیروی کار ماهر و فضای قانونگذاری مطلوب دو عامل عمده تعیین‌کننده به حساب می‌آید. این نکته نیز حائز اهمیت است که مردم اعتقاد پیدا کنند پاسخگویی دولت، رژیم مالیاتی شرکت‌ها و رژیم مالیاتی اشخاص هم در خلال چند سال آینده ارتباط نزدیکی با دو عامل دسته اول پیدا خواهند کرد. گرچه در حال حاضر دو مورد آخری در رده بندی اولویت‌ها در رتبه‌بندی‌های پایینی قرار می‌گیرند. زیرساخت‌های بازرگانی و دسترسی داشتن به بازارهای مالی به طور آشکار ارتباط کمتری با عوامل یادشده دارند. جالب این‌که علاقه روشنی به پیوستگی و ارتباط میان بازار داخلی و مرکز مالی بین‌المللی وجود دارد. در ادبیات دانشگاهی، مراکز مالی، تمرکز عامل بسیار با اهمیتی تلقی می‌شود. در نقطه مقابل در تعدادی از بررسی‌ها که در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ انجام گرفته، ارتباط بازارهای داخلی با لندن و نیویورک چندان با اهمیت تلقی نشده است. شاید لندن به دلیل داشتن دو ماهیت مورد تحلیل قرار گرفته باشد: مرکز مالی بین‌المللی و مرکز مالی داخلی و تأثیر این دو بر هم را

ناچیز تلقی کرده‌اند.

بعد از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا، بازارهای مالی جهانی به تمرکز مراکز مالی وابستگی شدیدتری پیدا کردند. نیویورک و لندن هم از لحاظ سرمایه‌گذاری در بازارهای سهام در رده‌های بالا طبقه‌بندی می‌شوند و هم از لحاظ کیفیت خدمات مربوط به شرکت‌های خصوصی‌سازی شده. توکیو، فرانکفورت و پاریس از لحاظ تمرکز دفاتر مرکزی بانک‌های بازرگانی و موسسات مالی دنیا در رده‌های بالا قرار می‌گیرند، اما اگر تمرکز دارایی‌های ۲۵ شرکت برتر دنیا در زمینه اوراق بهادار را لحاظ کنیم، قطعاً نیویورک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. بخش خدمات شرکت‌ها هم در هر یک از این دو شهر به طور قابل توجهی متنوع است. لندن و نیویورک بزرگترین صادرکنندگان خدمات حسابداری هستند. به عبارت دیگر توکیو و پاریس به ترتیب در جستجوی تصاحب ۳۳ و ۱۲ درصد دارایی‌های ۵۰ بانک بزرگ دنیا هستند، اما لندن و فرانکفورت به دنبال کسب ۱۰ درصد و نیویورک در جستجوی به دست آوردن ۹ درصد این دارایی‌ها هستند. با وجود این که تمرکز و پیوستگی به عنوان اصلی‌ترین ویژگی نظام‌های مالی بین‌المللی شناخته می‌شوند، ولی وجود شبکه‌ای از مراکز مالی بین‌المللی برای عملکرد مناسب بازارها و شرکت‌ها بسیار حیاتی تلقی می‌شوند. یک مرکز مالی بین‌المللی رشد می‌کند، کارکنانش مهارت به دست می‌آورند، به سمت مشاغل جدیدی کشیده می‌شوند، دسترسی به نیروی کار ماهر افزایش می‌یابد و در نتیجه، امکان دسترسی به رشد بیشتر مراکز مالی بین‌المللی را فراهم می‌سازند. به زودی اشتیاق جویندگان مشاغل خدمات مالی به سمت مراکز مالی دیگر کشیده می‌شود و این مراکز شهرت می‌یابند که در آنجا می‌توان به کارکنان با کیفیت بالا دست یافت.

کارکنان مراکز مالی بین‌المللی به سختی پیدا می‌شوند، نگهداری آنان دشوار است و مسلماً باید به دشواری هم می‌توان آنها را مدیریت

**یک مرکز مالی جهانی
جایی است که در آن شاهد
تمرکز شدید طیف وسیعی
از امور مالی و بازرگانی
بین‌المللی و معاملات
هستیم**

۵۰ مرکز مالی معتبر دنیا

رتبه	شهر	امتیاز	رتبه	شهر	امتیاز
۱	لندن	۷۷/۷۹	۲۶	مونپئخ	۵۱/۸۵
۲	نیویورک	۷۳/۸۰	۲۷	مونترال	۵۱/۳۵
۳	توکیو	۶۸/۰۹	۲۸	ونکوور	۵۱/۱۰
۴	شیکاگو	۶۷/۱۹	۲۹	بروکسل	۵۱/۰۵
۵	هنگ کنگ	۶۴/۳۲	۳۰	وین	۵۰/۹۴
۶	سنگاپور	۶۱/۹۵	۳۱	دوبلین	۵۰/۷۲
۷	فرانکفورت	۶۱/۳۴	۳۲	شانگهای	۵۰/۳۳
۸	پاریس	۶۱/۱۹	۳۳	بارسلون	۵۰/۱۵
۹	منول	۶۰/۷۰	۳۴	ملبورن	۴۸/۸۹
۱۰	لس آنجلس	۵۹/۰۵	۳۵	ژنو	۴۸/۰۵
۱۱	آمنردام	۵۷/۳۰	۳۶	بانگوک	۴۷/۹۶
۱۲	تورنتو	۵۷/۱۱	۳۷	دوس	۴۶/۶۱
۱۳	بوسون	۵۶/۴۷	۳۸	کوالالمپور	۴۵/۸۲
۱۴	سیدنی	۵۶/۲۶	۳۹	سانتائو	۴۴/۵۶
۱۵	کینیاک	۵۶/۱۴	۴۰	بوداپست	۴۳/۷۵
۱۶	مادرید	۵۶/۰۶	۴۱	پراگ	۴۳/۵۵
۱۷	استکهلم	۵۵/۵۱	۴۲	مکزیکوسیتی	۴۳/۳۵
۱۸	سان فرانسسکو	۵۴/۳۶	۴۳	دم	۴۳/۱۸
۱۹	زوریخ	۵۴/۳۳	۴۴	تل آویو	۴۳/۰۰
۲۰	آتلانتا	۵۴/۱۹	۴۵	مومبای	۴۲/۷۰
۲۱	میامی	۵۳/۷۶	۴۶	پکن	۴۱/۹۴
۲۲	هوستون	۵۲/۹۶	۴۷	ژوهانسبورگ	۴۱/۳۷
۲۳	واشنگتن دی سی	۵۲/۶۸	۴۸	شائوچیاو	۴۱/۱۴
۲۴	برلین	۵۲/۲۱	۴۹	کرتل	۴۰/۵۶
۲۵	میلان	۵۲/۲۳	۵۰	مسکو	۴۰/۵۳

کرد. اگر خواهان ارائه خدمات عالی هستیم، باید بدانیم کارکنان خوب، ارزشمند هستند. تحقیقات نشان می‌دهد کارکنان متبحر و مجرب مراکز مالی بین‌المللی به طور چشمگیری نسبت به کارکنان مالی منطقه‌ای برتری دارند و در حد استانداردهای بین‌المللی کار می‌کنند. به همین دلیل بهره‌وری در مرکز مالی بین‌المللی ممکن است بالاتر از بهره‌وری در مراکز مالی منطقه‌ای باشد. در حقیقت، شاید بتوان گفت غیر ممکن است بدون بهره‌گیری از مجموعه‌ای از نیروهای انسانی ماهر در زمینه خدمات مالی بین‌المللی به ویژه در لندن و نیویورک به امور بازرگانی پرداخت.

عامل بسیار مهم دیگر، فضای قانونگذاری است. ما یک مزیت جالب را می‌توانیم در مورد لندن مشخص کنیم. یک دست‌نوشته از سالیان قبل نشان می‌دهد لندن به دلیل دارا بودن

«هیات خدمات مالی^(۲)» و دستورالعمل‌های مناسب نسبت به سایر رقبای خود از مزیت‌های روشنی برخوردار است.

در برخی از زمینه‌ها، مزایای قانونگذاری نمی‌تواند چندان جای شگفتی داشته باشد. شاید لندن از مزیتی به نام «اثر ویمبلدون^(۳)» برخوردار باشد که سبب می‌شود این شهر در رقابت با سایر رقیبانش به محل مناسبی برای مبادلات و قانونگذاری در سطح محلی و بین‌المللی تبدیل شود. به این ترتیب لندن نقش‌های متفاوتی همچون بازار مستقل داخلی یا مرکز مالی بین‌المللی را به طور توأم دارا است.

به یاد داشته باشیم لندن به عنوان یک مرکز مالی بین‌المللی به واسطه بازارهای یورو، دلار رشد کرد. در ابتدای قرن بیستم با حاکمیت

روحیه انزوطلبی و سیاست عدم مداخله در امور بین‌المللی در آمریکا، قانونگذاران این کشور هراس داشتند در امور بین‌المللی مداخله کنند، لذا حجم بالایی از دلار و دارایی‌ها خارج از دسترس و تملک آمریکاییان قرار داشت، ولی بازارهای اروپا به طور ویژه‌ای جذاب بود، زیرا از این بازارها همواره مقادیر بالایی سود حاصل می‌شد. در دهه ۱۹۸۰ شرکت‌های آمریکایی تصمیم گرفتند در خارج از مرزهایشان به فعالیت بپردازند. آنها بازارهای اروپایی را یافتند که برای شرکت‌های بزرگ این کشور در دسترسی به نقدینگی دارای مزایای فراوانی بود. از یک سو وام‌های کوتاه مدت را در اختیارشان قرار می‌داد و از سوی دیگر هم برای امور صادرات و واردات، خدمات تامین مالی انجام می‌داد.

در مجموع، بیش از ۸۰ درصد پاسخ دهندگان اعتقاد داشتند فضای قانونگذاری یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری مرکز مالی محسوب می‌شود و پاسخگویان خارج از انگلستان هم تاکید فراوانی بر این مسئله داشتند و ۵۷ درصد افراد تاثیر فضای قانونگذاری را حیاتی و غیر قابل انکار ارزیابی کردند. این ارقام با پاسخگویان انگلیسی قابل مقایسه است که فقط ۳۹ درصد چنین اعتقادی داشتند. همچنین بیش از ۶۰ درصد بانکداران بین‌المللی بر این عقیده بودند که فضای قانونگذاری مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است، ولی فقط ۳۵ درصد بانکداران انگلیسی چنین باوری را داشتند. اهمیت فضای قانونگذاری را در مقایسه لندن و نیویورک و نیز پاریس و فرانکفورت می‌توان مشاهده کرد. بیش از ۹۰ درصد پاسخ دهندگان فضای قانونگذاری لندن و نیویورک را در رده

خوب یا عالی طبقه بندی کرده بودند.

برخی از مصاحبه شونده‌گان عقیده داشتند وجود فضای رقابتی میان لندن و نیویورک کمتر منجر به جا به جایی کارکنان از این دو شهر به سایر مناطقی شده که به امور مالی اشتغال دارند و کاهش هزینه‌ها را موجب شده است. همچنین انعطاف پذیری بسیار بالایی را در بازار کار لندن و شهرهای پاریس و فرانکفورت شاهدیم. این امر نه تنها در مسئله هزینه‌های کارکنان، بلکه در تاثیر مجموع هزینه‌های اشتغال هم باید جستجو کرد.

اگر هزینه‌های عملیاتی را صرفاً در مسئله بهره‌وری خلاصه کنیم، چرا خدمات مالی و بازرگانی برای کاهش هزینه‌هایشان به برون‌سپاری و فعالیت در فراسوی مرزها اهتمام می‌ورزند؟ چرا پاسخ دهندگان پیرامون هزینه‌های بالای اشتغال نگرانی احساس نمی‌کنند؟ لندن از حیث هزینه‌های اشتغال همواره در رده‌های بالا طبقه بندی می‌شود، ولی پاسخ دهندگان به این عامل مهم توجهی ندارند. یکی از افراد به نکته جالبی اشاره کرده بود:

شاید مهم‌ترین موضوع این باشد که مرکز مالی بین‌المللی از هزینه‌های ثابت بالایی برخوردار است. شاید هزینه‌های خدمات مالی بسیار بر کارکنان متمرکز هستند، به ویژه در دسترس بودن نیروی کار متبحر و مسئله بهره‌وری آنها. شاید هزینه‌های عملیاتی تابعی از مسائلی همچون زیرساخت‌های تجاری است و زیرساخت‌های مناسب می‌تواند هزینه‌ها را توجیه کند.

برخی از پاسخ دهندگان هم نسبت به مسئله فقدان نوآوری‌ها احساس نگرانی می‌کنند و می‌گویند این مسئله می‌تواند موجب افزایش هزینه‌ها شود.

از این حیث شهرهای پاریس، فرانکفورت، نیویورک و لندن به

لندن و نیویورک بزرگترین صادر کنندگان خدمات حسابداری هستند.

توکیو و پاریس به ترتیب در جستجوی تصاحب ۳۳ و ۱۲ درصد دارایی‌های ۵۰ بانک بزرگ دنیا هستند اما لندن و فرانکفورت به دنبال کسب ۱۰ درصد و نیویورک در جستجوی به دست آوردن ۹ درصد این دارایی‌ها هستند

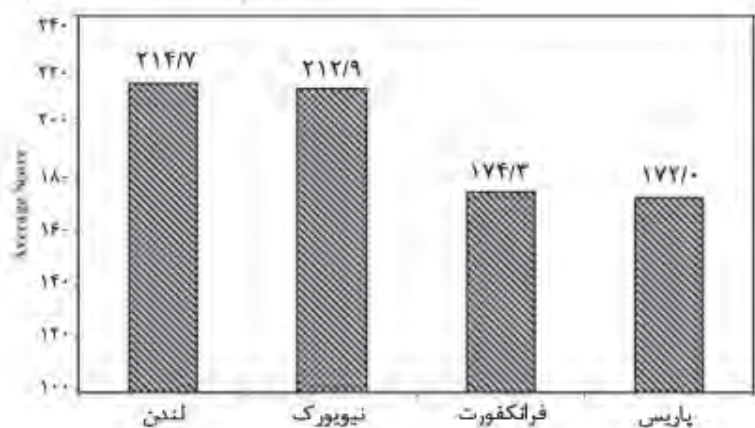
ترتیب در رده‌های چهارم، سوم، دوم و نخست قرار می‌گیرند. در حالی که فقط تفاوت اندکی را در اهمیت لندن و نیویورک مشاهده می‌کنیم، ولی این شهرها با پاریس، فرانکفورت، توکیو و یا هر مرکز مالی منطقه‌ای دیگر اختلاف معنی‌داری پیدا می‌کند. در آینده فهرست شهرهایی که در ردیف «بتا» طبقه بندی شده‌اند، ممکن است طولانی‌تر هم شود. یک پرسش شونده سرگردانی و بهت خود را چنین توصیف می‌کند:

«در این مطالعه لندن، نیویورک را از مقام نخست کنار زده است. در سال ۲۰۰۳ نیویورک بر لندن پیشی گرفته بود. به یاد داشته باشیم اکنون امکان انجام معامله به صورت الکترونیکی و از هر نقطه دنیا مسئله موقعیت مکانی و جغرافیایی را تحت تأثیر قرار داده است. اگر انواع خاصی از مبادلات نیازمند مرکز مالی بین‌المللی هستند، بنابراین لندن یا نیویورک همچنان باید در حال پیش بینی آینده باشند.»

در دهه ۱۹۹۰ اجماعی شکل گرفت مبنی بر این که لندن، نیویورک و توکیو سه مرکز مالی بین‌المللی هستند، اما اکنون فقط نیویورک و لندن این عنوان را با خود دارند، با این وجود امکان دارد که در آینده این فهرست هم تغییر کند. اما

سؤال مهم‌تر این است که در وضعیت کنونی ما به یک مرکز مالی جهانی احتیاج داریم یا چند مرکز؟ در خلال ۱۵ سال گذشته تعداد این مراکز از سه مرکز به دو شهر کاهش یافته است. حال کدام یک از این دو شهر می‌تواند این اطمینان را به ما ببخشد که در آینده تنها مرکز مالی دنیا خواهد بود؟ ما می‌توانیم پاسخ دهیم که لندن به دلیل مزایایش و نیز «اثر ویملدون» خواهد توانست این عنوان را به خود اختصاص دهد. همچنین می‌توانیم

میانگین امتیازها



واکنون، لندن در برابر نیویورک

با آغاز دهه ۱۹۲۰ به تدریج نیویورک به عنوان مرکز مالی دنیا جایگزین لندن شد، ولی اکنون رقابت میان این دو شهر شدت بیشتری به خود گرفته است و این نکته در جذب سرمایه های خارجی - که همواره لندن در این زمینه عملکرد فوق العاده ای داشته است - بیشتر به چشم می آید.

گرچه طی سالیان اخیر و به واسطه پدیده جهانی شدن در بسیاری از زمینه ها شاهد «تمرکز زدایی» بوده ایم، اما در مراکز مالی دنیا عکس این موضوع رخ داده است. اکنون در چهار گوشه دنیا مراکز مالی متعددی فعالیت می کنند، ولی رقابت اصلی همچنان میان دو پایتخت سنتی امور مالی دنیا - لندن و نیویورک - بسیار داغ تر از گذشته دنبال می شود و بحث های تازه ای در خصوص پایتخت اقتصادی جهان پیش آمده و درگیری ها میان این دو شهر به اوج خود رسیده است.

پس از حادثه یازدهم سپتامبر، ایالات متحده آمریکا دیواری به دور مرزهای خود کشید و به دنبال تصویب قانون ساربنز - آکسلی^(۵) چارچوب های قانونگذاری جدیدی را به شرکت های فعال در این کشور تحمیل کرد. به تبع این جریان، نیویورک متحمل زیان های فراوانی شد و لندن با استفاده از موقعیت جدید سعی کرد تا بیش از پیش پذیرای سرمایه های خارجی باشد.

بی تردید یکی از موتورهای رشد اقتصادی ایالات متحده، صنعت خدمات مالی شهر نیویورک است که در مقایسه با لندن و دیگر شهرهای دنیا از مزایای رقابتی فراوانی برخوردار است. این مزایا شامل گستردگی، کارایی، جذب سرمایه های نقدی از بازارهای جهانی و تمرکز بر بزرگترین شرکت های بازرگانی دنیا است. این شهر از حیث استانداردهای زندگی، تنوع فرهنگی و پویایی بازار کار - که به شدت مورد علاقه شرکت های بین المللی است - بر سایر مراکز مالی دنیا رجحان دارد، ولی آشکارا تسلط این شهر بر رقیبان رو به افول نهاده است، به طوری که از ۲۴ عرضه اولیه سهام^(۶) بزرگترین شرکت های دنیا تنها یک مورد در نیویورک به ثبت رسید، در حالی که این میزان در لندن ۴ مورد بوده است. تهدید پیش روی نیویورک تنها این نیست که لندن به سرعت در حال پیشرفت است، بلکه اکنون روند عرضه اولیه سهام در هنگ کنگ، توکیو، سنگاپور، شانگهای و ... نیز رو به فزونی نهاده است.

برای درک این موضوع که آیا لندن می تواند در رقابت به منظور کسب مرکزیت مالی دنیا بر نیویورک فائق آید، کافی است در مسیر «پل ملینیوم» به سمت «پائول کاتادرال» قدم بزنید و شمار جرثقیل هایی

استدلال کنیم نیویورک به دلیل نزدیکی با بزرگترین بازار دنیا و حجم بالای نقدینگی می تواند در نهایت از این مصاف پیروز از میدان خارج شود. چون اندازه بازار داخلی آمریکای شمالی می تواند موفقیت نیویورک را تضمین کند. ما می توانیم پیش بینی کنیم اروپا به عنوان بازار داخلی لندن به حساب خواهد آمد (درست همانند بازار آمریکا برای نیویورک) اما هر دوی این شهرها با تهدید جدی روبه رو هستند: " رشد مرکز مالی بین المللی چین غیر قابل اجتناب است. " شاید همانند رشد و توسعه بازارهای اروپا، چین هم نیازمند بازاری در خارج از مرزهای ملی خود باشد، ولی این بازار در کدام شهر مستقر خواهد بود: هنگ کنگ، سنگاپور، تایپه، سیدنی، توکیو یا دوبی؟ و یا این بازار توسط لندن و نیویورک تعریف خواهد شد؟

اگر ما بخواهیم یک مرکز مالی جهانی را مشخص کنیم، بی تردید آن شهر لندن یا نیویورک خواهد بود. لندن هم می تواند به اندازه نیویورک خدمات فرامرزی ارائه کند. لندن هم اکنون بهترین شهر اروپا در زمینه امور بازرگانی، امور مالی و سایر جنبه ها است. در میان ۱۰ شهر برتر اروپا، لندن برتری چشمگیری بر پاریس، فرانکفورت، بروکسل، بارسلون، آمستردام، مادرید، برلین، مونیخ و زوریخ دارد.

اگر سه مرکز مالی را مشخص کنیم، این امر بستگی دارد به این که مقامات چینی یک رژیم قانونگذاری تدوین کنند که جریان بازرگانی جهانی را به سمت خود جذب کند یا امور بازرگانی را به سمت دیگر مراکز مالی آسیایی هدایت کند. در اواخر سال ۱۹۹۹ «سر ویلی پروس^(۴)» رئیس پیشین بانک «اچ اس بی سی» می پرسید: آیا انگلستان برای اروپا چیزی بیشتر از مانهاتان برای آمریکا است یا هنگ کنگ برای چین؟ اکنون ما پرسش مشابهی را مطرح می کنیم: آیا چین، می تواند همانند مانهاتان و در چارچوب مرزهای ملی رشد کند یا نیاز دارد همانند لندن در فراسوی مرزها رشد کند؟

یک مرکز مالی بین المللی رشد می کند، کارکنانش مهارت به دست می آورند، به سمت مشاغل جدیدی کشیده می شوند، دسترسی به نیروی کار ماهر افزایش می یابد و در نتیجه، امکان دسترس به رشد بیشتر مراکز مالی بین المللی را فراهم می سازند



موفقیت را اعلام کرد. او گفت: «امروز بیش از ۴۰ درصد اوراق بهادار خارجی در اینجا معامله می‌شود که حجم آن بسیار بیشتر از نیویورک است.» او در ادامه افزود: «بیش از ۳۰ درصد مبادلات ارزی دنیا در لندن انجام می‌گیرد که از مجموع مبادلات نیویورک و توکیو هم بیشتر است.» در حالی که نیویورک و توکیو به طور عمده بر بازارهای بزرگ آمریکایی و آسیایی اتکاء دارند، ۸۰ درصد تجارت لندن جنبه بین‌المللی دارد. این آغاز عصر جدیدی برای لندن است. وی در ادامه افزود: «این دوره تاریخ لندن را می‌توان «عصر طلایی جدید» نام گذاشت.»

نیویورک به راستی یک «عصر تاریک» را تجربه می‌کند، اما به نظر می‌رسد در این میان، «تردید به خود» بیشترین آسیب را به این شهر وارد کرده است. شهردار نیویورک «مایکل بلومبرگ» و سناتور «چارلز سومر» به موسسه «مک کینزی» ماموریت دادند تا در آغاز سال، نقاط ضعف نیویورک در تبدیل شدن به یک مرکز جهانی و موانعی چون اقامه دعوی حقوقی و مقررات دست و پاگیر را بررسی کنند. چون به خوبی دریافته بودند اگر به این موانع و مشکلات توجه اساسی نشود، ظرف یک دهه نیویورک موقعیت ممتاز جهانی خود را از دست خواهد داد. در نقطه مقابل، «اولیور اسپیتزر» فرماندار نیویورک نیز میزبان یک کمیسیون بود تا زمینه‌های برتری این شهر را اعلام

را بشمارید که به سمت آسمان برافراشته‌اند و با سروصدا در حال جابه‌جایی کالاها هستند. بخش مالی لندن موسوم به «سیتی» در حال پشت سر گذاشتن بالاترین رشد و شکوفایی خود بعد از حملات هوایی آلمان‌ها در دوران جنگ جهانی دوم است و یک دلیل آن، سرازیر شدن ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به سمت پایتخت بریتانیا در طول سال است. این سرمایه‌ها از خاورمیانه، روسیه، هند، چین و ایالات متحده روانه این شهر می‌شوند. گردشگران خارجی نیز با شل کردن سر کیسه خود رستوران‌ها را پر می‌کنند و به دلیل حضور آنها، قیمت مستغلات هم به سرعت رو به افزایش نهاده است، ولی آنها با اعتماد به نفس فراوان در کافی شاپ‌ها و خانه‌های اعیانی دیده می‌شوند.

اینجا مکانی پر زرق و برق است که شهردار لندن در آن سکونت دارد. همچنین محلی برای گردهمایی رسمی و سالانه بانکداران تلقی می‌شود. ضیافت سال جاری آنان در ماه ژوئن بسیار شبیه مراسم جشن افتتاحیه بازی‌های المپیک بود که چندی پیش، لندن در رقابت برای کسب میزبانی بازی‌های المپیک در سال ۲۰۱۰، گوی رقابت را از نیویورک ربود و این امر موجبات شغف مردم را فراهم آورد. «گوردون براون» در روزی که به نخست‌وزیری انگلستان برگزیده شد، خبر این

دارد. در واشنگتن دبیر خزانه داری «هنری پائولسن» خواستار اعمال تغییرات عمده‌ای شد که هدف آن تقویت رقابت در بازار سرمایه ایالات متحده بود «کریستوفر کاکس» رئیس کمیسیون سهام و اوراق بهادار نیز به طور صریح درباره نیاز به تشکیل کمیسیون و فکر کردن مجدد به آن حرف می‌زند. آمارها در خصوص حجم و جوه فزاینده شرکت‌های خارجی با یکدیگر مغایرت دارند. براساس گزارش مؤسسه Dealogic در سال ۲۰۰۱ دوازده مورد از ۲۰ مورد جهانی عرضه اولیه سهام در ایالات متحده صورت گرفت در حالی که در عمل دو مورد آن صحیح است.

شمار سرمایه‌گذاران تازه به دوران رسیده فاقد مجوز فعالیت در لندن که AIM نامیده می‌شوند، رو به فزونی است. آنها در سال گذشته به عرضه اولیه سهام در بورس «تزدک» نیز دست زدند. «مستر کارت» نیز آخرین مؤسسه‌ای است که در سال گذشته میلادی به سامان دهی یک مطالعه گذشته دست زد. این مطالعه در ماه ژوئن صورت گرفت که اعلام شد لندن در رده بندی مراکز مالی دنیا، نیویورک را پشت سر نهاده است. اکنون نیویورک نماینده اقتصاد

متزلزل ایالات متحده و لندن نمادی از یک بیر اقتصادی است. گرچه پشت اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۲ زیر باز فشار «قانون ساربنز-آکسلی» و سایر قوانینی که بعد از رسوایی مالی شرکت انرون وضع شدند، خم شده است، ولی در سال‌ها اخیر این کشور به سمت کنار گذاشتن قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و مناقشه‌آمیزی قدم برداشته است که موانع عمده پیش روی اقتصاد این کشور به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، لندن نیز در حال تصویب قوانینی آسان‌تر و بسیار انعطاف‌پذیر است تا فرآیند بازرگانی را بدون در نظر گرفتن مسئله ملیت، پول ملی و نظام حسابداری تسهیل کند. ایالات متحده پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ حصارهای دور کشورش کشد ولی در نقطه مقابل، انگلستان درهائیش را به روی دنیا

گشود، گرچه همچنان از وقوع حوادث تروریستی بیمناک است. ایالات متحده دارای سیستم اقامه دعوی است که همانند یک بازدارنده عمل می‌کند، ولی انگلستان دارای یک سیستم مالی است که به نحو مطلوبی خارجی‌ها را به سمت خود جذب می‌کند. «جان راس»^(۷) مشاور مالی «کن لیوینگستون»^(۸) شهردار لندن می‌گوید: برای نیویورک بسیار دشوار خواهد بود تا بار دیگر به صحنه بازی برگردد و با حالتی طنز آلود می‌گوید: «نیویورک نیازمند آن است که تغییر اساسی در کلیت نظام سیاسی و نظام حقوقی ایالات متحده روی دهد!»

آیا لندن به راستی نیویورک را در این بازی شکست داده است؟ پاسخ کوتاه به این سؤال، مثبت است، اما این تمام جنبه‌ها را شامل نمی‌شود. لندن اکنون به سان یک آهن ربا شرکت‌های اقتصادی خود نوظهور را به سمت خود جذب می‌کند تا بر میزان سرمایه‌های خود در بزرگ‌ترین مرکز مالی اروپا بیفزاید. این شهر اکنون در حوزه‌هایی همچون اوراق مشتقه، نرخ برابری ارزها و مبادلات فلزات در سرتاسر جهان سرآمد است. این شهر در حال جبران عقب‌ماندگی خود در زمینه

سهام بخش خصوصی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری تأمین^(۹) است. اکنون ۲۱ درصد دارایی صندوق‌های سرمایه‌گذاری تأمین در خارج از لندن مدیریت می‌شوند. این امر سبب می‌شود ثروت جدیدی به سمت خیابان «سنت جیمز» و «می فایر» سرازیر شود. نیویورک از حیث حجم وجوهی که شرکت‌ها اداره می‌کنند و نیز میزان غرامتی که به کالاهای آسیب دیده پرداخت می‌شود، همچون برج بلندی بر سر لندن سایه افکنده است.

اکنون اوضاع و احوال بازارهای مالی جهان به سرعت در حال تغییر است و شرایط به نفع لندن پیش می‌رود. چندین شرکت بزرگ اروپایی از جمله شرکت هواپیمایی انگلیس «بریتیش ارویز» تصمیم گرفته‌اند قوانین مربوط به کمیسیون سهام و اوراق بهادار و نیز پذیرش در بورس‌های اوراق بهادار



ایالات متحده را تغییر دهند.

شرکت TNT - یک شرکت هلندی ۱۷/۴ میلیارد دلاری در زمینه تحویل نامه و مراسلات پستی - نیز در ماه مارس ۲۰۰۷ تصمیم گرفت از حضور این شرکت در بورس اوراق بهادار نیویورک خودداری کند.

اما آنچه که نیویورک از دست داده است، به معنای دستاوردی برای لندن نیست؛ چون TNT که یک سال پیش در بورس لندن پذیرش شده بود، در ماه مارس سال ۲۰۰۶ تصمیم گرفت تمامی تلاش هایش را در بازار آمستردام متمرکز کند. این شرکت هنوز به سرمایه‌گذاران بین‌المللی به‌ویژه مؤسسات آمریکایی وابسته است. اما این روزها مبادلات الکترونیکی و دقت نظر فزاینده سرمایه‌گذاران در اخذ تصمیم شرکت‌ها بسیار مؤثر بوده است. بسیاری از سرمایه‌گذاران اکنون موقعیت مناسب خود را در آمستردام جستجو می‌کنند. از سال ۲۰۰۰ شمار شرکت‌های بزرگ بین‌المللی پذیرفته شده در بورس اصلی لندن ۴۰ درصد کاهش نشان می‌دهد و برخی از این شرکت‌ها همچون «نستله»، غول صنایع غذایی سوئیس و «نوکیا» شرکت فنلاندی تلفن‌های همراه در حال خروج از بورس لندن هستند. آنها از دیگر شرکت‌هایی که خارج شده‌اند، تبعیت می‌کنند؛ زیرا بازارهای سرمایه به طور فزاینده‌ای جهانی شده و شرکت‌های بزرگ از حق انتخاب بالایی در زمینه مکان جغرافیایی محل فعالیت خود برخوردار شده‌اند. حتی شرکت‌های کمتر شناخته شده‌ای همچون بانک لهستانی «ملنیوم» نیز همین رویه را در پیش گرفته‌اند. این بانک نیز اغلب سهام خود را در بورس ورشو عرضه کرده است.

علت این که شمار عرضه اولیه سهام در لندن در مقایسه با نیویورک هنوز مطلوب به نظر می‌رسد، این است که بازار سرمایه بریتانیا همچنان جذاب است و صدها شرکت بزرگ از سرتاسر دنیا از جمله ایالات متحده را به سمت خود جلب می‌کند. این بازار همچنین به پذیرش شرکت‌های بزرگ روسی و شرکت‌های جمهوری‌های شوروی سابق چشم دوخته است به طوری که نزدک به ۱۷ درصد عرضه اولیه سهام لندن به شرکت Rosneft - شرکت بزرگ نفتی روسیه که با به‌دست آوردن دارایی‌های شرکت «یوکوس» بزرگ‌ترین شرکت نفتی این کشور به‌شمار می‌رود- تعلق داشت. در نقطه مقابل، شرکت‌های کارآفرین چینی ترجیح می‌دهند نیویورک را به عنوان مرکز فعالیت بین‌المللی خود انتخاب کنند. در حالی که شرکت‌های هندی راه میانه را برگزیده‌اند، چون برخی از بزرگ‌ترین

بورس‌های اوراق بهادار نیویورک و نزدک، از طریق ادغام با رقبای اروپایی لندن به طور روزافزونی دسترسی به بازارهای جهانی خود را گسترش داده‌اند

عرضه اولیه سهام در بازار بورس نیویورک به شرکت‌های هندی تعلق داشت و برخی دیگر از شرکت‌های هندی نیز در بورس لندن پذیرش شده‌اند. ولی جنگ هنوز پایان نیافته، بلکه رقابت‌ها تشدید هم شده است. بورس‌های اوراق بهادار نیویورک و نزدک، از طریق ادغام با رقبای اروپایی لندن به طور روزافزونی دسترسی به بازارهای جهانی خود را گسترش داده‌اند.

به هر حال، دنیای مالی خواه ناخواه به سمت نبرد میان لندن و نیویورک پیش می‌رود. شمار متخصصان و حجم بیشتر دارایی‌ها به لندن کمک می‌کند حتی در آمریکا نیز به رشد و شکوفایی خود ادامه دهد. به طوری که ظرف یک سال گذشته، ۴ معامله از ۵ معامله بزرگ در اروپا را بانک‌های آمریکایی و شرکت KKR انجام داده‌اند. شرکت اخیر که یکی از فعال‌ترین شرکت‌های بخش خصوصی در زمینه معاملات اوراق بهادار است. علاوه بر این، سرمایه‌گذاران نهادی ایالات متحده نیز در حال خرید بخش قابل توجهی از عرضه سهام در لندن و سایر نقاط اروپا هستند.

در سال گذشته عرضه عمومی سهام در نیویورک که به اصطلاح "۱۴۴A" نامیده می‌شود، با حدود ۴۰ میلیارد دلار افزایش روبه‌رو شد. در نقطه مقابل، «هندریک دو تویت^(۱)» مدیر ارشد اجرایی شرکت «اینوستک^(۱)» - یک شرکت آفریقای جنوبی فعال در زمینه مدیریت دارایی - می‌گوید: «لندن هنوز می‌تواند آن قدر انرژی ایجاد کند که از رقیبان بین‌المللی خود سبقت گیرد.» وی می‌افزاید: «بازار سرمایه ایالات متحده هنوز نیمی از بازار پول دنیا را تشکیل می‌دهد. بنابراین به راحتی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. اکنون سؤال واقعی پیش روی نیویورک و لندن تنها این نیست که کدام یک در این مصاف از میدان، پیروز خارج خواهد، بلکه پرسش اساسی آن است که چگونه هر دوی آنها می‌توانند در رقابت با مراکز مالی دنیا به شکوفایی خود ادامه دهند و همچنان خود را به عنوان کانون بازرگانی



اگر خواهان ارائه خدمات عالی هستیم، باید بدانیم کارکنان خوب، ارزشمند هستند

در رقابتی نزدیک توانست لندن را پشت سر بگذارد، اما این کار فقط با مساعدت و همراهی «یورونکست» حاصل شد. ولی نباید از یاد برد ایالات متحده سه عرضه اولیه بزرگ سهام سال را از دست داد: عرضه اولیه سهام Rosneft در لندن و دو بانک بزرگ چینی که در بورس هنگ کنگ صورت گرفت. «کینی» می‌گوید: «کاملاً واضح است که ایالات متحده در برخی از زمینه‌ها رقابت را به حریف واگذار کرده است.» وی می‌افزاید: «فضای قانونگذاری در این کشور رقابت‌پذیری را دشوار ساخته است.» «تریسی پیرس^(۱۴)» نیز به برخی از مزیت‌های لندن اشاره می‌کند. او در بخش پذیرش بین‌المللی بورس نیویورک مسئولیت دارد. وی به همراه مردمی که در حال ورود به تالار بورس لندن هستند، می‌گوید: «ما با نگرانی و ترس به مزایای عرضه اولیه سهام در لندن می‌نگریم و به استانداردهای بالای مدیریت مشارکتی اعتقاد داریم. لندن در مقابل رقیبش که بسیار «قانون محور» است بسیار انعطاف‌پذیر نشان می‌دهد. لندن استاندارد یکسانی را به تمام شرکت‌های پذیرفته شده در این بورس تحمیل نمی‌کند. در حالی که ایالات متحده به ابتکار عمل‌ها و الزامات «قانون ساربنز - آکسلی» پایبند است.

یک معامله باید چقدر عظیم باشد تا نسبت به پذیرش آن در بورس اقدام شود؟ این امر بستگی به آن دارد که شرکت یادشده در جستجوی چه چیزی باشد. هنگامی که شرکت چینی انرژی خورشیدی «سانتک پاور^(۱۵)» در سال ۲۰۰۵ تصمیم گرفت وارد بازار بورس شود، «شی ژنگ رینگ» رئیس این شرکت هیچ مخالفتی با انتخاب نیویورک نداشت، زیرا وی امیدوار بود بعدها ایالات متحده به عنوان بزرگترین بازار خرید محصولات این شرکت به حساب آید. از این رو، وی با این درخواست موافقت کرد. «شی» می‌گوید: «برای شرکت‌ها بسیار مطلوب و مناسب است تا کنترل‌های داخلی سختی داشته باشند. این امر به آنان کمک می‌کند تا قوی‌تر شوند و ما هم

دنیا معرفی کنند. اکنون نه تنها مراکزی همچون بمبئی و شانگهای بلکه شهرهایی چون ورشو، دوی و سائوپائولو نیز از لحاظ حجم و دقت انجام معاملات به سرعت رو به پیشرفت دارند. این امر سبب شده است بانک‌های بزرگ سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی عملکرد این مراکز مالی جدید را از نزدیک زیر نظر بگیرند. «مایکل فیلیپ» که مسئولیت اداره امور بازرگانی بانک «کردیت سوئیس» در اروپا، خاورمیانه و آفریقا را برعهده دارد، می‌گوید: «نیویورک و لندن هر یک موقعیت خاص خود را دارند، ولی شانگهای و دوی نیز به سرعت در حال پیشرفت هستند. مدیر امور بین‌المللی موسسه «مورگان استنلی» می‌گوید: بسیار طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است که نیویورک از سوی رقیبان آماج شدیدترین حملات قرار داشته باشد، زیرا دنیای امروز، بسیار جهانی شده است. این بیهوده است که لندن را مرکز مالی دنیا بنامیم، بلکه منصفانه این است عنوان یادشده را به ۴ یا ۵ مرکز مالی عمده و شهرهای جانبی آنان اطلاق کنیم.»

یکی از مخاطرات پیش روی لندن این است که بیش از حد به جریانات بین‌المللی سرمایه وابسته است. همین موضوع این شهر را در مقابل رکود اقتصاد جهانی آسیب‌پذیر می‌کند. مدیر امور سرمایه‌گذاری شرکت «تریدیندل اینوستمنت» براین باور است که این مسئله به لندن لطمه می‌زند، ولی این واقعه در خلال چند روز یا یک هفته حادث نخواهد شد. درگیری‌ها در خط مقدم عرضه اولیه سهام جهانی را می‌توان در منطقه Rue Combon در پاریس و در نزدیکی قصر کنکورده مشاهده کرد. یعنی جایی که «کترین کینی^(۱۲)» در دفتر کارش امور بازرگانی بورس نیویورک را زیر نظر دارد. از ماه جولای گذشته او دفتر کارش را به پایتخت فرانسه و در جوار بورس «یورونکست^(۱۳)» منتقل کرد تا از آنجا بر تحولات بازار بورس دنیا نظارت داشته باشد. تلفیق این بورس‌ها امکان انتخاب وسیعی را در اختیار شرکت‌های بزرگ سرتاسر دنیا قرار داده است.

یکی از بزرگ‌ترین مرکز فروش این بورس، SOX-Less نام دارد. پذیرش در این بورس فرصتی را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد تا در بورس نیویورک هم معامله کنند. «نزدک» نیز سعی دارد تا امکان مشابهی را با بورس OMX استکهلم - که حاصل ادغام هفت بورس کشورهای شمال اروپا است - تجربه کند.

«کترین کینی» همچنین مشخص کرد که از ۱۰۰ شرکت بزرگ دنیا ۷۹ شرکت کانون عمده فعالیت خود را در این دو بورس متمرکز کرده‌اند. او این دو بورس را «مرکز جهانی عرضه اولیه سهام» نامید. بورس نیویورک طی سال ۲۰۰۶ و از نظر افزایش کل سرمایه،

قصد داریم در زمره ۱۰۰ شرکت برتر دنیا قرار گیریم.» اما در نقطه مقابل برای «کیشور لولا»^(۱۶) نیویورک هرگز یک انتخاب محسوب نمی‌شود. او می‌گوید: «در این خصوص اجماع وجود دارد که پذیرش در بورس‌های آمریکا کاری پرزحمت‌تر از پذیرش در بورس لندن است.» وی که مدیر شرکت Eros International است و به توزیع محصولات بالیوود - صنعت فیلم سازی هند - اشتغال دارد، حجم زیادی از تجارتش را در ایالات متحده انجام می‌دهد، ولی هیچ خصومتی هم با پذیرش در بورس لندن ندارد. او می‌افزاید: «لندن یک انتخاب آشکار است. چون این شهر پایتخت مالی جهان به شمار می‌رود.»

لندن هیچگاه این چنین مغرور و از خود راضی نبوده است. در دهه ۱۹۹۰ و پس از رسوایی‌های مالی از قبیل سقوط سهام BCCI و برینگز بانک، این شهر نگرانی‌هایی در خصوص از دست دادن موقعیت ممتازش در اروپا و در رقابت با فرانکفورت - مرکز مالی آلمان - احساس کرد، چون در آن هنگام این شهر به عنوان مرکز تأسیس «بانک مرکزی اروپا» انتخاب شد. «هاوارد دیویس» هم به نکات جالبی اشاره می‌کند که چگونه لندن توانست خود را به عنوان مرکز جذابی برای امور بازرگانی دنیا معرفی کند. او که ریاست «مدرسه اقتصاد لندن» را برعهده دارد و در دهه ۱۹۹۰ در انجام اصلاحات و قانونگذاری بخش‌های بانکداری، بیمه و سایر فعالیت‌های مالی نقش عمده‌ای ایفاء کرده است، می‌گوید: «تجارت بین‌المللی مهم‌ترین بخش اقتصاد ملی محسوب می‌شود.» او می‌افزاید: «بنابراین ما باید در خصوص رژیمی که اقتصاد را هدایت و راهبری می‌کند، اطمینان کامل داشته باشیم.» او می‌گوید: «این نگرش در نیویورک و واشنگتن به چشم نمی‌آید، اما شرایط در حال تغییر است.» «دیویس» معتقد است: هر دو بازار باید به طور مسالمت‌آمیزی در کنار هم فعالیت کنند. ناگفته پیداست هیچ

تضمینی وجود ندارد که لندن بتواند تا مدت طولانی و با اعتماد به نفس به فعالیت خود ادامه دهد، اما «سیتی» باید در خصوص یک نکته اطمینان داشته باشد: این مرکز با فرمول معجزه‌آسایی برای بازارهای سرمایه جهانی امروز بنا شده است. «سیتی» آغوش خود را به روی دنیا گشوده است و شرکت‌های دنیا نیز دسته دسته رو به سوی «سیتی» حرکت می‌کنند.

پانویس‌ها:

۱-Reinsurance

۲-Financial Services Authority

۳-Wimbledon Effect

۴-Sir Willie Purves

۵-Sarbanes-Oxley Act

این قانون همه موسسات و آژانس‌های مالی داخلی شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، کارگزاران بورس، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، آژانس‌های مسافرتی و دلان اتومبیل را ملزم می‌سازد تا سیاست‌ها و شیوه‌های کنترلی روشن و درستی در پیش گیرند و انجام حسابرسی مستقل از عملیات آنها نیز در دستور کار قرار دارد. طبق این قانون موسسات مالی ملزم شده‌اند تا لیست اسامی افراد مظنون، تروریست، مجرمان و فراریان تهیه شده توسط دولت را با لیست مشتریان خود مقابله کنند و در صورت مشاهده اسامی مشابه آن را به دولت اعلام کنند.

۶-IPO

۷-Johan Ross

۸-Ken Livingston

۹-Hedge Fund

۱۰-Hendrik Du Toit

۱۱- Investec

۱۲-Katerin Kinney

۱۳-Euronext یورونکست بورسی است که از ادغام بورس‌های پاریس، بروکسل و لیسبون شکل گرفته است.

۱۴- Traccey Pierce

۱۵- Suntech Power

۱۶- Kishore Lulla

ماخذ:

www.Z/Yen.com

اکنون نه تنها مراکزی همچون بمبئی و شانگهای، بلکه شهرهایی چون ورشو، دوی و سائوپائولو نیز از لحاظ حجم و دقت انجام معاملات به سرعت رو به پیشرفت هستند. این امر سبب شده است بانک‌های بزرگ سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی عملکرد این مراکز مالی جدید را از نزدیک زیر نظر بگیرند